

چهارشنبه هشتم مارچ ۲۰۱۷

ناتور رحمانی

## عصیان ... .



خواهرم!

ای زن

در دیار من که مردانگی را

به حراج گذاشته اند

دل تو را با شب پیوند می زنند

به گونه ی ظالمانه

بسیار نامردانه

از نام تو رنگ می گیرد

که گویی شب و سیاهی

تو را در پستوی تاریک فکرشان

چادر نشین کرده

به زنجیر می کشند

ای تو هزار ستاره روشن روزگار

خواهر!

تویی درخشش هر بخش زندگی

کی گفت: کی تو سیاه سر و سیاه پوش بوده یی؟

تنها ندیم خلوت عیش مرد

صنم زرپوش بوده یی؟!

کی گفت: خدا تو را جمع آدم حساب نکرد

حدیث حرمت نامت ثبت کتاب نکرد؟

این حرف آن زن ستیز

و روزگار جاهلیست

خواهر!

تویی مبدأ هستی و زائیش  
مهر و عشق و روشنی دنیا  
از آن تست  
یکروز اگر شود  
که از پرده پندار برون شوی  
عصیان کنی ، توفان شوی  
آتش زنی به صد پرده سیاه  
ز پندار ناکسان  
آزاد شوی از ستم و زندان جاهلان  
آنروز را ( ناتور ) به نام تو تجلیل می کند .

